

بینش تجاری

«استیو جابز»



۲۵۰ سخن از مبتکری که دنیا را تغییر داد

نویسنده: آلن کن توماس

مترجم: محسن واعظی

توسعه
آموزش

عنوان و نام پدیدآور	۱	بیشتر تجاری «استیو جابز» ۲۵۰ سخن از مبتکری که دنیا را تغییر داد / نویسنده: متسیج* ویراستار: آلن کن توماس؛ مترجم: محسن واعظی تهران: کلید توسعه آموزش مثبت، ۱۳۹۱
مشخصات نشر	۲	۸۰ ص
مشخصات ظاهری	۳	۹۸۷-۹۶۴-۸۶۱۷-۹۳-۱
شابک	۴	دنیای
رده‌بندی ده‌گانه یونسکو	۵	عنوان اصلی: The Business wisdom of Steve Jobs : Quotes from the Innovator Who Changed the World
یادداشت	۶	۲۵۰ سخن از مبتکری که دنیا را تغییر داد
عنوان دیگر	۷	جابز، استیوین، ۱۹۵۵-۲۰۱۱ م.-کلمات قصار
موضوع	۸	توماس، آلن کن، ویراستار
شماره افزوده	۹	Thomas, Alan Ken
شماره افزوده	۱۰	واعظی، محسن، ۱۳۵۹، مترجم
شماره افزوده	۱۱	۱۳۹۱ ج ۲ HC۱۰۱۲۵
رده‌بندی کنگره	۱۲	۰۸۱
رده‌بندی دیسک	۱۳	۲۷۳۶۱۱۶
شماره کتابشناسی ملی	۱۴	

توسعه آموزش

نام کتاب: بیشتر تجاری استیو جابز

- ☐ نویسنده: آلن کن توماس
- ☐ مترجم: محسن واعظی
- ☐ ناشر: کلید توسعه آموزش مثبت
- ☐ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
- ☐ نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۱
- ☐ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۷-۹۳-۱
- ☐ قیمت: ۲۰۰۰ تومان
- ☐ مرکز پخش: ۰۶۶۴۶۶۴۱۶-۰۶۶۴۶۶۴۵۲-۰۲۱
- ۰۳۱۱-۲۲۲۳۷۲۵
- ۰۲۵۱-۷۷۳۵۴۱۱

کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۱	درباره آغاز
۱۷	درباره تجارت و کسب و کار
۲۹	درباره رهبری و مدیریت
۳۳	درباره ابتکار و نوآوری
۴۳	درباره مورد دیگران
۵۵	درباره رانندگی
۶۱	درباره ارث
۶۹	درباره زندگی

مقدمه

حتی پس از مرگ هم در موردش اختلاف نظر وجود دارد. «استیو جابز» یکی از بنیانگذاران شرکت Apple و مردی که دنیا او را با نام‌های imac, ipod, iphone, ipad می‌شناسد.

از نظر برخی، جابز کسی است که دنیا را بهبود بخشید. مؤسس و مبتکری که تأثیرات غیرقابل وصفی وی بر زندگی روزمره انسان‌ها گذاشت و از نظر برخی دیگر، او یک بت دروغین است. با این توجه که هر تجارتی که بازی‌هایش پشت پرده و پنهانی است، مشکل‌دار است.

هر کسی نظری در مورد وی داشت.

اما وی همیشه هم در کانون توجه نبود. استیو پاول جابز در سال ۱۹۵۵ در سانفرانسیسکو متولد شد و توسط پاول و کلارا جابز به فرزندی پذیرفته و بزرگ شد. وی که در واقع از دانشگاه ترک تحصیل کرده بود، بعدها متوجه شد که نداشتن تحصیلات عالی، مانع پیشرفت وی در شغل و تجارت تکنولوژی است. او در نهایت در یک شرکت سازنده بازی‌های کامپیوتری به نام «آتاری» که به سرعت در حال رشد و پیشرفت بود مشغول به کار شد و در همین دوران بود که با استیو وزیناک آشنا شد. این شروعی کوچک، ساده و محقر بود. جابز، وزیناک و شریک سوم به نام رونالد وین در سال ۱۹۶۷ شرکت Apple را تأسیس کردند. یک سال بعد (Apple 2) با موفقیت به بازار عرضه شد. اما در واقع از سال ۱۹۸۴ و با عرضه کردن مکینتاش، Apple به اولین قدرت خلاق و سودآور تبدیل شد.

جابز از همه نظر نابغه بود. وی یک متفکر خلاق و سختکوش بود. کسی که نیروی محرکه وی این ایده بود:

هر قدر طراحی ساده‌تر و استفاده آسان‌تر، محصول بهتر!

اما این تفکر غیر معمول، در کنار بلنذهمتی وی، در نهایت باعث استعفای وی از Apple شد، آن هم در وسط دعوی قدرت بین اعضای هیئت مدیره و مدیران اجرایی Apple.

وی در سال ۱۹۸۵ Apple را ترک کرد و با مراجعه به تاریخچه شرکت، پس از غیاب جابز شرکت Apple، از نظر ابتکار و تنوع محصولات رو به افول نهاد، در حالی که این دو خصیصه مخاطر آمیز جابز، پایه و اساس سال‌های آینده زندگی وی را مستحکم کرد.

شرکت پیکسار، در ابتدا یک شرکت طراحی گرافیک ساده و شعبه‌ای جدید از شرکت لوکاس فیلم بود. جابز این شرکت را به قیمت ۱۰ میلیون دلار خرید و بیست سال بعد آن را به قیمت ۷/۴ میلیارد دلار به شرکت دیسنی فروخت.

البته در این مدت، این شرکت انقلابی در انیمیشن ایجاد کرد که شروع آن با کارتون toy story بود و پس از آن تقریباً هر سال یک مجموعه کامل ارایه می‌داد. در شرکت کامپیوتری NeXT، در نهایت ثابت شد پیشانی که جابز نسبت به کامپیوتر به عنوان یک ابزار آموزشی داشته است، مقرون به صرفه نیست و در تولید انبوه با شکست مواجه خواهد شد. اما واقعیت این بود که قدرت فنی این کامپیور چه از نظر سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری سال‌ها جلوتر از زمانش بود. چیزی که حتی شرکت Apple هم متوجه شد، تا حدی که باعث جلب نظر آنها در سال ۱۹۹۷ و دعوت مجدد جابز گردید.

و از اینجا داستانی شروع شد که تقریباً همه آن را می‌دانند.

اول iMac با طراحی یکپارچه، زیبا و منحصر به فرد وارد بازار شد.

بعد نوبت iPod شد، محصولی که با ورودش به بازار صنعت موسیقی را دگرگون کرد و فصل جدیدی و فرصت جدیدی از بازار فروش موسیقی را نشان

داد. iPhone و iPad به خاطر طراحی استانداردانه iPod در هر دوی آنها، موفقیتی بسیار فراتر از حد انتظار داشتند و به خوبی توانستند جای پای جابز را در دومین بازگشت به Apple مستحکم کنند. موقعیتی که برای کمتر کسی در طول عمر یک شرکت پیدا می‌شود.

تایید این کتاب و تحقیقاتی که برای جمع‌آوری اطلاعات لازم بود. در یک کامپیوتر iMac انجام شد. در حین کار گوشی iPhone من، پیامی دریافت کرده و روی میز در حال لرزش است. نامزد من در حال بازی با یک iPad در اتاق پذیرایی است و یک iPad در پس‌زمینه کامپیوتر در حال دانلود کردن فایل از iTunes است. نوشتن این جملات و بارخوانی آن باعث ایجاد هیجان زایدالوصفی در من می‌شود. طوری که احساس می‌کنم مثل طرفداران تعصبی iMac، دیوانه‌وار تبلیغ این محصولات را می‌کنم.

اما در هر حال دو نکته در اینجا ارزش تأمل دارند. یکی اینکه قسمت عمده وقت روزانه من با محصولات می‌گذرد که استیو جابز در ساخت آنها نظارت داشته است و دوم اینکه موقعیت کنونی من به گونه‌ای نیست که اجباری به طرفداری سرسخت از تکنولوژی داشته باشم. مسلماً با پیدایش و ورود کامپیوترهای شخصی به بازار، زندگی افراد مختلفی در گوشه و کنار دنیا تغییر و بهبود پیدا کرده است. (البته از دیدگاهی دیگر شاید می‌توان گفت بدتر شده است. اما به هر حال تغییر کرده است)

یک هفته را در نظر بگیرید و به دقت ساعت‌هایی که به استفاده از کامپیوتر می‌گذرانید را ثبت کنید. از گوش کردن موسیقی در یک وسیله دیجیتال گرفته، تا کار با تلفن و غیره. مستقیم یا غیرمستقیم استیو جابز جهان را به سمتی که خودش می‌خواسته، هدایت کرده است.

ممکن است وی طراح و سازنده اصلی هیچکدام از ابزار یا برنامه‌هایی که به نام استیو جابز فروخته شده‌اند نباشد. اما نبوغ وی در این بود که می‌توانست، بفهمد

مردم چه می‌خواهند، پیش از آنکه این چیز حتی وجود داشته باشد. (در این کتاب چندین سخن در تصدیق این گفته وجود دارد)

«هنری دیوید تورو» می‌گوید: «می‌خواستم عمیق زندگی کنم و شیرۀ زندگی را تا آخرین قطره فرو برم ... و هر آنچه جزء زندگی نیست را کنار بگذارم ... تا اینطور نباشد که ... وقتی هنگام مرگم رسید تازه بفهمم که زندگی نکرده‌ام.»

مشخص است وقتی استیو جابز در نهایت در سن ۵۶ سالگی، تسلیم سرطان پانکراس شد، این سوال برای هیچکس پیش نیامد که آیا او «شیرۀ زندگی» را سرکشیده است یا نه.

او تقریباً تا آخرین لحظه زندگی به رهبری Apple و همچنین پیشبرد بشریت به سوی آینده ادامه داد.

زندگی وی به همان اندازه که خصوصی و پوشیده بود، منحصر به فرد هم بود.

چه در زندگی شخصی و چه به عنوان عضوی از شرکت Apple.

تعداد مصاحبه‌هایی که وی از سال ۱۹۷۶ قبول کرده، بسیار اندک است. اما آنچه که مرا تکان داد و امیدوارم این اثر را بر شما هم داشته باشد، این است که وی چقدر توانسته در همین مصاحبه‌های کم چنین مفاهیم بزرگی را انتقال دهد. به حدی که، سخنرانی آغازین وی در دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۵ را می‌توان به تنهایی یک مقاله دانشگاهی در نظر گرفت و آن را بررسی کرد.

همانطور که بسیاری از صاحب‌نظران به این موضوع اشاره کرده‌اند بسیار نادر است که مردی به تنهایی بتواند، در آن حدی که استیو جابز برای Apple بود، نماینده سخنگوی یک شرکت باشد. شاید به همین دلیل بود که بسیاری از خبرنگاران مرگ «استیو جابز» ناراحت شدند نه از مرگ مدیر اجرایی اپل.

علت این نبود که وی فردی بسیار مهربان و دست و دلباز بود (که البته در این کتاب متوجه این حقیقت خواهید شد) و یا بدان دلیل نبود که محصولات Apple بی‌نقص و ایده‌آل بودند. (که در واقع آنچنان هم بی‌نقص نبودند و در سخنان وی

چند مورد را خواهید دید) بلکه شاید و فقط شاید به این علت بود همه ما در ۱۰ سال گذشته به شخصی به نام استیو جابز عادت کرده بودیم که بیاید و محصول بعدی را به ما نشان دهد. تا به ما اطلاع دهد در حال حرکت به چه سمت و سویی هستیم و برای رسیدن به آنجا چه نیازی داریم. شاید علت این همه ناراحتی عمومی این باشد که همه به طور ناخودآگاه از طرفداران تعصبی جابز بوده‌ایم، چه جرأت اعتراف داشته باشیم چه نداشته باشیم.

به محض درگذشت استیو جابز، ارزش سهام Apple ناگهان ریزش کرد و من دوست دارم هر چند زمانیکه اینگونه فکر کنم که برای اولین بار در یک دهه، لحظه‌ای هر چند کوتاه اما همگانی مثل آمدن که دنیا ناگهان اطمینان خود به آینده را از دست داد و برای برداشتن اولین قدم بدون استیو، دچار لرزش شد.